



میزان سرمایه اجتماعی است که برای بردن یک انتخابات پای صندوق رأی لازم است. یک تخمین امنیتی که در خارج از ایران انجام شده نشان می‌دهد در حکومت‌های فعلی جهان اگر یک جریان اپوزیسیون بتواند جمعیتی از مردم را که تعداد آنها مضربی از ۱۰۰ هزار باشد، به خیابان بکشدند و برای مدتی کم و بیش طولانی (چند ماه) در خیابان نگه دارد و پایداری آن جمعیت چنان باشد که در مقابل فشار پلیسی و امنیتی خیابان را ترک نکنند، آن وقت به طور قطع قادر خواهد بود یا سیستم سیاسی را واژگون کند یا از آن امتیازهای سیاسی بسیار بزرگ بگیرد. برای آنکه بحث روشن‌تر پیش برود، خوب است همین جا ۲ مفهوم سرمایه رأی و سرمایه آشوب را از هم تفکیک کنیم. سرمایه رأی، آن بخش از سرمایه اجتماعی است که پای صندوق ظاهر می‌شود و رأی خود را به صندوق می‌اندازد اما پس از آن فعالیتی از او نمی‌توان دید تا انتخابات دیگر که دوباره پای صندوق مشاهده شود. فعال شدن سرمایه رأی هم منوط به وجود ۲ شرط است: نخست اینکه رأی‌دهندگان حتما باید مشروعیت اصل سیستم سیاسی را که برگزارکننده انتخابات است قبول داشته باشند و دوم اینکه کاندیدایی مناسب برای رأی دادن بیابند. سرمایه آشوب اما آن بخش از سرمایه رأی است که آماده است پس از انداختن رأی خود به صندوق، به خیابان بیاید، در خیابان بماند و از رأی توهمی که درباره آن پیدا کرده - ولو در فضایی خسوفت‌ناپذیر کند. مدل صوری که توصیف کردیم به این شکل قابل بازسازی است که فرض کنید سرمایه رأی کاندیدی X از سرمایه رأی کاندیدای Y بیشتر باشد اما کاندیدی Y سرمایه آشوب بیشتری از کاندیدی X داشته باشد و تصمیم بگیرد از این سرمایه برای مخدوش کردن فضای سیاسی کشور، تبدیل کردن باخت خود به باختی برای کلیت نظام سیاسی از طریق تولید آشوب وانامی و به هم زدن ثبات استفاده کند.

این مدل صوری می‌تواند تا حدودی شرایطی را که کشور ما پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ در آن قرار گرفت توصیف کند، همان شرایطی که توسط رهبر مظم انقلاب اسلامی پیش از انتخابات با دقت پیش‌بینی و توصیف شده بود. اما برای فراتر رفتن از سطح صوری باید سوال کرد این وضعیت واقعا چگونه شکل پیدا کرد و چرا برخی کاندیدها و هواداران آنها تصمیم گرفتند از این روش برای جلو بردن پروژه سیاسی خود استفاده کنند؟

اجازه بدهید بررسی را از سوال اول آغاز کنیم. چرا برخی جریان‌های سیاسی خاص در انتخابات ۸۸ و به طور مشخص اصلاح‌طلبانی که با آقای هاشمی رفسنجانی به یک اختلاف استراتژیک رسیده بودند تصمیم گرفتند مردم را از چند هفته قبل از انتخابات به انتخابات فرابخوانند؟ در اینکه به واقع چنین اتفاقی رخ داده، تردیدی نیست. آغاز حرکت‌های خیابانی قبل از انتخابات، در اواسط اردیبهشت‌ماه و زمانی بود که برخی احزاب اصلاح‌طلب اعلام کردند برای گفت‌وگو با مردم و ترغیب آنها به رأی دادن به کاندیدی مدنظر خود، هر شب در برخی خیابان‌ها و میادین اصلی شهر تهران حاضر خواهند شد. این اقدام پیش‌تر و در ایام انتخابات ۸۴ هم رخ داده بود اما آنچه در آن سال اتفاق افتاد، نه عمق و گستردگی حوادث سال ۸۸ را داشت و فراخوانی مردم به خیابان در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری

سال ۸۸ از مبانی خاصی نشأت می‌گرفت که ریشه در سال‌ها قبل بویژه تجربه دوران اصلاحات داشت. یکی از تئورسین‌های این جریان حدود یک دهه قبل در تئوری معروف خود با عنوان «فشار از پایین، چانه‌زنی در بالا» تلاش کرد الگوی عمل سیاسی جریان اصلاحات در ایران را آسیب‌شناسی کند. مهم‌ترین جنبه این آسیب‌شناسی آن بود که وی از مطالعه ساخت قدرت در ایران و تفکیک جنبه‌های حقوقی و حقیقی آن از یکدیگر، نتیجه گرفت هیچ نوع عمل سیاسی درون حکومت، بدون برخورداری از توان اعمال فشار به نظام توسط یک بدنه اجتماعی فعال نمی‌تواند به نتیجه مورد نظر منتهی شود. این مطالعه نظری خیلی زود تبدیل به یک برنامه عملی شد طوری که می‌توان با اطمینان گفت از مقطعی به بعد - مشخصا از زمانی که اصلاح‌طلبان دریافتند توان بازسازی سیاسی آنها به عنوان اپوزیسیون درون حاکمیت بسیار کاهش یافته و عن قریب توسط مردم از سیستم اخراج خواهند شد - مهم‌ترین برنامه سیاسی اصلاح‌طلبان این شد که هر طور شده یک بدنه اجتماعی قابل اتکا، پای کار و حرفه‌ای برای خود به‌وجود بیاورند تا اگر دوباره حوادثی شبیه تحصن مجلس ششم رخ داد سنگ روی یخ نشوند.

ادامه در صفحه ۱۶

مقاله

مبانی فتنه ۸۸

دید رهبر معظم انقلاب اسلامی در واقع مبتنی بر یک تحلیل استوار بر روانشناسی اجتماعی بوده که می‌گوید اگر جامعه در زمانی کم و بیش طولانی و از کانال‌های مختلف و به‌ظاهر مستقل در معرض دریافت یک پیام واحد قرار بگیرد، در هر حال از آن اثر خواهد پذیرفت ولو اینکه هیچ شواهدی در تایید آن وجود نداشته باشد.

دوم، دشمن را نیز نسبت به نتیجه‌بخش بودن پروژه خود در داخل کشور امیدوار کرد. طراحان اصلی پروژه تبدیل انتخابات به کودتا در بیرون از ایران وقتی دیدند حرف‌های آنها درباره احتمال وقوع تقلب در داخل از جانب عده‌ای خریدار دارد و به سرعت بدل به شعار سیاسی برخی جریان‌های خاص شده است، بر شدت تبلیغات و شاید هم تماس‌ها و لابی‌های خود در این‌باره افزودند و نتیجه این شد که منادیان عدم سلامت انتخابات در داخل کشور هم در حرف‌های خود جازم‌تر شدند و هم اینکه نوعی فضای گسترده تبلیغاتی ابراز تردید درباره نتیجه انتخابات شکل گرفت که در آن رسانه‌ها و تریبون‌های داخلی و خارجی در کنار هم و به پشتوانه هم پیام واحدی را برای بخش‌های خاصی از جامعه ارسال می‌کردند.

نکته مورد تاکید در اینجا این است که رهبر معظم انقلاب اسلامی حداقل یک سال قبل از انتخابات به صراحت تمام این موارد را پیش‌بینی کرده و هشدارهای لازم درباره آنها را به کسانی که مسأله به آنها مربوط می‌شد داده بودند. اینگونه نبود که مسأله تقلب یا دستکاری در آرای مردم یکباره و در شب انتخابات از جانب کاندیدایی که تصور می‌کرد رأی او درست خوانده نشده مطرح شده باشد. موضوع در واقع سابقه‌ای چندماهه داشت و به‌رغم اینکه رهبرانقلاب و دیگر کسانی که مسؤولیت ارزیابی و رصد پروژه‌های دشمن را داشتند دائما درباره آن هشدار دادند اما این باعث نشد برخی کاندیدها و جریان‌های سیاسی دست از تکرار حرف دشمن در داخل که در واقع تکمیل پازل دشمن برای تبدیل انتخابات به کودتا بود بردارند. این سر جای خود بختی مفصل است که یا مدعیان و منادیان تقلب و آنها که بی در بی اعلام می‌کردند یا ما انتخابات را خواهیم برد یا اینکه حتما تقلب شده است در واقع می‌دانستند در حال تکمیل اجزای چه پروژه‌های هستند و عالمانه به تقسیم نقش با دشمن بیرونی پرداخته بودند یا اینکه نه، بی‌بوند و ارتباطی میان آنها و طراحان پروژه تبدیل انتخابات به کودتا در بیرون از ایران وجود نداشت و این عده صرفا چسبیری را که به آن عقیده داشتند بیان می‌کردند. هر کدام که باشد در اصل این مسأله تقریری ایجاد نمی‌کند که:

اولاً: رهبر حکیم انقلاب پیش از انتخابات با جزئیات در این باره هشدار داده بودند که نداهای عدم وجود رقابت واقعی در انتخابات و تردیدکنندگان در سلامت انتخابات ندای دشمن و هدف از آن هم مخالفت با اصل انتخابات در کشور است. **ثانیاً:** ایشان این را هم پیش‌بینی کرده بودند که کسانی در داخل با دشمن بیرونی همصدا خواهند شد و درباره عواقب و تبعات این کار هشدار داده بودند. **ثالثاً:** پس از انتخابات رهبری با یادآوری هشدارهای خود اقبل از انتخابات ا نتیجه گرفتند آنچه باآن مواجه هستیم پروژه‌ای است از پیش طراحی شده که طراحان آن به‌رغم اینکه طراحی‌شان افشا شده بود از اجزای آن دست برنداشتند و مجریان داخلی آن هم با وجود اینکه به آنها درباره مشارکت در این پروژه هشدار داده شده بود از ایفای نقش در آن کوتاه نیامدند.

آنچه مردم پس از انتخابات مشاهده کردند این بود که مقاطع موضوع دقیقا آنگونه که رهبری قبل از انتخابات توصیف کرده بودند در حال رخ دادن است و همین امر نقشی مهم در تبدیل فضای ایهام به فضای بصیرت، از دست رفتن بدنه اجتماعی فتنه، اعتبارزایی از ادعاهای فتنه‌گران و اثبات همدلی و همراهی و شراکت آنها با دشمنان خارجی ملت ایران ایفا کرد و به یکی از ارکان مدیریت فتنه از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی بدل شد.

۲- دومین مسأله‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی از قبل از انتخابات آن را پیش‌بینی کرده بودند و یادآوری همین پیش‌بینی به جامعه، بعد از انتخابات بدل به یکی از ابزارهای موثر نظام در مدیریت فتنه شد، این بود که ایشان با دقت از این امر پرده برداشته بودند که دشمن قصد دارد با مشارکت برخی از بدنه‌ها و افرادان داخلی خود انتخابات را که به یکی از منابع اصلی تولید امنیت و اقتدار در کشور است، به عاملی برای تولید بی‌ثباتی مزمن در جامعه تبدیل کرده و کشور را در ورطه بی‌ثباتی، آشوب و درگیری بلندمدت گرفتار کند.

رهبر فرزانه انقلاب پیش از انتخابات از توجه بویژه دشمن به انتخابات سخن گفته و تاکید کرده بودند این بار تمرکزی روی جامعه و گروه‌های سیاسی درگیر در انتخابات از جانب برخی محافل خاص داخلی و خارجی آغاز شده است تا آنها را به این نتیجه برساند که به نفع آنها خواهد بود اگر فضای انتخابات تبدیل به یک فضای کارناوالی و مبارزه انتخاباتی به یک مبارزه خیابانی بدل شود. این موضوع که چرا برخی گروه‌های سیاسی در ایران به چنین نتیجه‌ای رسیدند و افشای این موضوع پیش از انتخابات از جانب رهبر حکیم انقلاب و سپس اشکال شدن این حقیقت که ایشان این مسأله را به درستی و دقت پیش‌بینی کرده بودند، چه نقشی در مدیریت فتنه ایفا کرد، یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با فتنه ۸۸ و اداره آن از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده است. برای اینکه بتوانیم این مسأله را به درستی تحلیل کنیم در واقع چاره‌ای جز این نیست که ابتدا با ماهیت مسئله درگیر شویم و ببینیم چرا برخی جریان‌ها به این نتیجه رسیدند که باید کار را به کف خیابان بکشاند. وقتی اندکی در این مسأله تامل کردیم آن وقت می‌توان دوباره به موضوع مدیریت رهبر حکیم انقلاب بر فتنه ۸۸ بازگشت و خواهیم دید در آن صورت مسأله تا چه حد قابل فهم‌تر شده است.

اسلامی که عمدتا مبتنی بر درک عمیق ایشان از الگوی رفتار دشمن در بیش از ۳ دهه گذشته علیه انقلاب اسلامی بود، بی‌شک دوران یادگیری برای دستگاه‌های کشور در سال ۸۸ بسیار طولانی می‌شد و آنها نمی‌توانستند بموقع نسبت به صحنه شناخت کافی پیدا کرده و راهبردهای مقابله‌ای خود را تدوین کنند. از لحاظ مدیریتی این هشدارها نقشه دشمن را پیشاپیش برای دستگاه‌های متولی بر‌خورد با این صحنه باز کرد، ابعاد آن را شکافت، حتی برخی جزئیات را پیش‌بینی کرد و به دستگاه‌ها این امکان را داد پیش از فرارسیدن ایام فتنه آمادگی‌های لازم برای مواجهه با آن را در ساختار و سازمان و شیوه‌های کار خود به‌وجود آورد.

اکنون زمان آن است که ببینیم رموس پیش‌بینی‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره فتنه ۸۸ که قبل از انتخابات بر آن تاکید کردند چه بود و پس از انتخابات ایشان چگونه با استناد به آنچه از قبل گفته بودند، مسیر مدیریت صحنه سخت و دشوار فتنه را هموار کردند.

پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ رهبرمعظم انقلاب اسلامی موارد زیر را به عنوان رتروس برنامه‌ای که دشمن در صدد تعقیب آن در انتخابات با اجرای آن با استفاده از فضا و فرصت به‌وجود آمده در انتخابات بود، مطرح کردند و بر ضرورت هشجاری نسبت به آنها تاکید فرمودند. ۱- الفای جدی نبودن رقابت و ششبهه در سلامت انتخابات: رهبر معظم انقلاب اسلامی پیش از انتخابات در چند نوبت تذکر دادند دست‌هایی در کار است تا به مردم این پیام را بدهد که انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور جدی نیست و آنچه به نام انتخابات اجرا خواهد شد نمایشی است با نتایج از پیش تعیین شده که اراده و رأی مردم نمی‌تواند در آن تغییری ایجاد کند. مراجعه به ادبیاتی که از جانب ضدانقلاب کشور در تحریم پیش از همه انتخابات برای عرض این انقلاب بویژه قبل از انتخابات خرداد ۸۸ تولید شده نشان می‌دهد این خط حقیقتا وجود داشته و هدف از آن هم ۲ چیز بوده است: نخست اینکه با ایجاد آس و ناامیدی در مردم جلوی مشارکت گسترده آنها در امر انتخابات گرفته شود و مردم حس کنند چه آنها رأی بدهند و چه ندهند تکلیف انتخابات از پیش روشن است و دوم، در بین بخش‌هایی از جامعه انگیزه‌هایی ایجاد شود برای اینکه به تخریب فرآیند انتخاب در کشور پرداخته و به اصطلاح این نمایش و بازی از پیش طراحی شده را به هم بزنند. رهبر معظم انقلاب اسلامی از پیش از انتخابات هشدار دادند دور جدیدی از این نوع عملیات روانی روی جامعه ایرانی در حال آغاز شد است و باید نسبت به آن هشدار بود.

مسأله جدی نبودن رقابت به ۲ قالب مختلف از جانب گروه‌های مختلف سیاسی و اپوزیسیون در ایام قبل از انتخابات مطرح می‌شد که رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره هر دوی آنها قبیل از انتخابات تذکرات لازم را به جامعه، نخبگان سیاسی و کاندیدها داده بودند. اولین قالب تاکید بر این موضوع از جانب محافل سیاسی مختلف - عمدتا در بیرون از ایران - بود که نظام اساسا اجازه نخواهد داد همه سلايق سیاسی وارد صحنه انتخابات شوند و مردم بتوانند آزادانه از میان آنها گزینه خود را انتخاب کنند. اگرچه واقعیت صحنه انتخابات بویژه کاندیدا شدن محمد خاتمی، مهدی کربوی و در نهایت میرحسین موسوی به هیچ‌وجه این خط تبلیغاتی را تایید نمی‌کرد ولی منادیان جدی نبودن رقابت همچنان تاکید می‌کردند کل این صحنه غیرواقعی است و نظام‌سازی درون جریان‌های مورد اعتماد خود را به راه انداخته است.

برخی گروه‌ها و جریان‌های اصلاح‌طلب در داخل کشور اما از این منظر به مسأله جدی نبودن رقابت نگاه نمی‌کردند. این جریان‌ها حداقل ۳ کاندیدای قدرتمند در صحنه داشتند بنابراین به هیچ‌وجه در موقعیتی نبودند که ادعا کنند نظام به کاندیدهای آنها اجازه حضور در صحنه را نداده و آنها از عرضه خود به آرای عمومی محروم مانده‌اند. بر عرض، این جریان‌ها از چند ماه مانده به انتخابات نغمه‌هایی در این باره ساز کردند که حتی اگر رقابتی واقعی شکل بگیرد، نتایج اعلام شده نتایج واقعی نخواهد بود و اراده‌ای برای مهندسی نتیجه انتخابات یا دستکاری در نتایج انتخابات به‌رغم رأی و نظر مردم وجود دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی از یک سال قبل از انتخابات هشدار دادند چنین خطی با هدف تشکیک در اعتماد مردم به مکانیسم برگزاری و اعلام نتایج انتخابات در حال تعقیب است و نباید کسانی در داخل کشور در حالی که خود بهتر از هر کسی می‌دانند فرآیند برگزاری انتخابات همواره کاملا سالم بوده و نظام به نتیجه رأی مردم - هر چه بوده - پایبند است، حرف‌هایی را که منشأ اصلی آن دشمن بیرونی است تکرار کنند.

رهبر حکیم انقلاب پس از وقوع فتنه ۸۸ تاکید کردند عدم توجه به این هشدارها که قبل از انتخابات به صراحت از جانب ایشان بیان شده بود و تکرار حرف‌های دشمن از جانب کسانی در داخل کشور و حتی برخی کاندیدها، حداقل ۲ نتیجه منفی بسیار جدی به بار آورد.

نخست اینکه بذر بی‌اعتداری در بخش‌هایی از جامعه که رهبر حکیم انقلاب بار تصمیم به شرکت در انتخابات گرفته بودند کاشت و در نتیجه زمینه‌هایی برای آغاز برخی ناآرامی‌ها قبل از انتخابات و تداوم و اوج گرفتن آن در ماه‌های بعد از انتخابات را فراهم آورد. جالب است که رهبر حکیم انقلاب در جایی به علت این مسأله اشاره‌ای بسیار ظریف داشته‌اند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود چند هفته مانده به انتخابات می‌گویند کسانی از حدود یک سال قبل از انتخابات خط تشکیک درباره سلامت آن را آغاز کرده‌اند و علت اینکه زمانی چنین طولانی از جانب این افراد برای تبلیغ این ایده در نظر گرفته شده چیزی جز این نیست که «می‌خواهند اثرگذاری بیشتری بر افکار عمومی داشته باشند». بنابراین آغاز پروژه تشکیک در سلامت انتخابات از

ادامه از صفحه اول

پس از انتخابات وقتی روشن شد این پیش‌بینی‌ها صحیح بوده و بخش‌هایی از آن عینا واقع شد؛ رهبر معظم انقلاب به‌عنوان بخشی از راهبرد مدیریتی خود در مقابل فتنه به یادآوری این مسأله پرداختند که آنچه رخ داد در واقع هم قابل پیش‌بینی بود و هم عملا پیش‌بینی شده بود بنابراین بازیگران فتنه درون سناریویی ایفای نقش می‌کنند که کل این سناریو از قبل توسط کسانی که در عداوت آنها با مردم ایران شکی نیست، نوشته شده است.

از منظر مدیریتی استناد به جنبه‌های از قبل پیش‌بینی شده و آشکار شده آنچه در حال رخ دادن بود و گرفتن این نتیجه که آنچه پس از انتخابات به عنوان فتنه شناسایی شد در واقع چیزی غیر از تحقق یک سلسله پیش‌بینی‌های دارای جزئیات انجام شده قبل از انتخابات نیست، چند کار کرد اصلی داشت.

یکم- نخستین کارکرد این راهبرد این بود که حقانیت دیدگاه رهبری و نظام دربره ماهیت فتنه‌گون و کودتایی آشوب‌های ۸۸ را مستند و مسجل می‌کرد. در واقع وقتی مردم دیدند همه یا بیشتر آنچه در حال رخ دادن است تقریبا به طور کامل همان مواردی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی و برخی دیگر از تحلیلگران با تاسی به ایشان قبل از انتخابات پیش‌بینی کرده و نسبت به وقوع آن هشدار داده بودند، به تدریج یک باور عمومی شکل گرفت که آنچه در حال رخ دادن است اعتراض خودجوش مردمی به نتیجه انتخابات نیست بلکه پروژه‌ای از پیش طراحی شده و بسیار مفصل برای تبدیل انتخابات به فتنه و در نهایت کودتا علیه رای مردم است که اتفاقا نظام هم نسبت به آن غافل نبوده و بر آن اشرف داشته است. به این ترتیب ماهیت برنامه‌ریزی شده و منظم آمیز فتنه ۸۸ با سرعت بسیار بیشتری در ذهن مردم جا افتاد و باعث شد اولاً نسبت به ادعاهای ظاهری سران داخلی و خارجی فتنه دچار تردید شوند و ثانیاً به تدریج یک بسیج عمومی علیه فتنه در کشور شکل بگیرد.

مروز هشدارهای داده شده قبل از انتخابات به یک معنا دارای این پیام برای افکار عمومی بود که نسخه فتنه از قبل آشکار بوده است و کم و بیش روشن بود که طراحان اصلی فتنه در خارج از ایران و همکاران داخلی آنها درصد اجزای چه برنامه‌ای هستند. نه فقط این، بلکه جزئیات این طراحی از قبل به طور عمومی تشریح شده و هشدارهای لازم برای درنغلتیدن مردم و خواص در آن نیز داده شده بود. بنابراین وقتی مردم مشاهده کردند تمام آن پیش‌بینی‌ها درست بوده و یک به یک در حال رخ دادن است، به طور طبیعی تردیدی جدی درباره حقانیت ادعاهای فتنه‌گران و مشروعیت اقدامات و اهداف آنها شکل گرفت.

دوم- دومین کارکرد این راهبرد این بود که استناد به آشکار بودن توطئه طراحی شده علیه کشور در سال ۸۸ نوعی اتمام حجت با کسانی تلقی می‌شد که به نوعی در این ورطه گرفتار شده بودند. علتی بودن جزئیات نقشه طراحی شده دشمن دیگر جایی برای این بهانه‌جویی باقی نمی‌گذاشت که کسانی مدعی شوند نمی‌دانند در چه دامی گرفتار شده‌اند و جدول چه کسی را پر می‌کنند.

سوم- از یک منظر مدیریتی کارکرد دیگر این راهبرد این بود که نتوجهی کامل و دقیق برای برخورد با کسانی که با وجود آشکار بودن نقشه دشمن، هشدارهای داده شده در این باره را نادیده گرفته و باز هم در پازل دشمن بازی می‌کردند، در حالی که این اقدامات قابل‌روشن بود چه برنامه‌ای برای انتخابات سال ۸۸ ریخته شده است، تکمیل خانه‌های خالی جدول دشمن از جانب کسانی در داخل، دیگر به هیچ‌وجه نمی‌توانست یک اقدام اتفاقی یا غیرمدعی تلقی شود. اگر از قبل روشن نبود چه طراحی برای انتخابات انجام شده و اگر جزئیات آن تشریح نشده و درباره آن هشدارهای لازم در عالی‌ترین سطح و به طور علنی و در در ابعاد ملی داده نشده بود، شاید پذیرفتنی بود که کسانی مدعی شوند نمی‌دانسته‌اند در چه بازی‌ای گرفتار شده‌اند اما وقتی همه چیز از پیش روشن بود، تکمیل بازی دشمن و اجرای پروژه‌هایی که دشمن برای تکمیل برنامه‌اش به آن نیاز داشت، بی‌شک می‌توانست و باید یک اقدام «مدعی» در نظر گرفته شود که مستوجب برخورد است. در واقع استناد به پیش‌بینی‌های گذشته، توجه لازم برای برخورد با آن دسته از افراد را که عالمانه و عمدانه به سهیم‌پذیری و نقش‌پذیری در بازی دشمن مشغول شده بودند، فراهم کرد و افکار عمومی نیز به آسانی می‌پذیرفت - و پذیرفت- که این برخورد عادلانه است، چرا که همه هشدارهای لازم برای مصونیت‌بخشی به جامعه و خواص انجام شده و با این حال کسانی همچنان - با انگیزه‌های مختلف- بازی در زمین دشمن را به گرفتن جانب حق ترجیح می‌دهند و بنابراین باید با آنها برخورد و جلوی راه پروژه‌هایشان سد شود.

چهارم- باز هم اگر فقط نگاه مدیریتی داشته باشیم، هشدارهای رهبر معظم انقلاب اسلامی قبل از انتخابات درباره اینکه دشمن چه خوابی برای روزهای پس از انتخابات دیده و جدول دشمن دارای چه مشخصاتی است، برای نهادها و دستگاه‌های مسؤول برخورد با پروژه‌های اینجینیسی هم بسیار مفید بود، چرا که باعث شد آنها بتوانند پیشاپیش آمادگی‌های لازم را برای مقابله با پروژه‌ها و ترفندهای دشمن به دست آوردند و از آنچه به لحاظ مدیریتی غافلگیری نهادی و غافلگیری سازمان یافته خوانده می‌شود پیشگیری شود. فتنه ۸۸ از بسیاری جهات پدیده‌ای منحصر به‌فرد و فاقد نمونه مشابه در گذشته ملت ایران بود. نمونه‌های اجرا شده کودتای انتخاباتی در کشورهای دیگر هم فقط شباهت‌هایی کلسی به آنچه در ایران اجرا شد داشت و مطالعه آنها به هیچ‌وجه نمی‌توانست ابعاد آنچه را که برای ایران برنامه ریزی شده بود - و فقط بخشی از آن مجال اجرا یافت- روشن کند. اگر نبود دشوارها و پیش‌بینی‌های رهبر معظم انقلاب